

توزیع هم شده اگر مجلس و هیئت رئیسه اجازه می دهند جزء دستور شود تا در آن بحث و مذاکره شود و زودتر بگذرد رئیس - در این باب مخالفی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده هم راجع به همین قسمت پیشنهاد آقای مساوات میخواستم عرض کنم که خودشان فرمودند

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی .

(اجازه)

شیخ الاسلام - در موقعی که جلسات مجلس از سه روز به پنج روز منتقل شد بنده حاضر نبودم ولی از فراری که از جراید استفاده شد این اضافه برای گذراندن بودجه ها بود و حالا جلساتی می گذرد و ابتدا اسم بودجه ها نیست و حال آن که تا بهال که بودجه ها تاخیر افتاده است خیلی مضرات سیاسی داشته و بعد از این هم خیلی مضرات دارد و علاوه بر اینها اسباب نقصان تشکیلات شده است و همچنین از بودجه وزارت داخله یک مقداری از مواجب های هنگفت حکام ذوی المرو والاحترام کسر شده است و با آن که از بودجه وزارت معارف مبلغی که از برای معارف ولایات تخصیص داده شده است که باید از اول حمل تشکیلات آن تاسیس شده باشد هنوز تاسیس نشده و همچنین بودجه وزارت هدایه که در زمان سردار مظالم یک شکل مهمی بغیر گرفت و بعد یک طور دیگر و طور دیگر شد و حالا هیچ معلوم نیست که تشکیلات هدایه مبنی بر چه اساس و از روی چه بودجه است

این است که بنده پیش نهاد میکنم هفته دوروز که برای بودجه ها تخصیص داده شده بود باز هم تخصیص داده شود که اولاً چون نزدیک است که سال به آخر برسد این بودجه ها بگذرد و تکلیف دولت معلوم باشد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده می خواهم راجع بقانون استخدام یادآوری کنم همین طور که ملاحظه می فرمائید امیدواریم یکی دو جلسه دیگر تمام شود اما یک فصل از آن قانون باقی است و آن راجع به معلمان مدارس است که آنهم باید ضمیمه این قانون شود تا تکلیف معلمین هم معین شود و از برای گذشتن این فصل یک طرح قانونی پیش نهاد شده است مدتی است بکمیسیون مبتکران فرستاده شده است و بنده استدعائی که بنام معلمین مدارس دارم این است که چون

فردا مجلس نیست کمیسیون مبتکران تشکیل شود و تکلیف این را معین کنند که مجلس رای بدهد بکمیسیون استخدام رجوع شود چون کمیسیون استخدام کارش تمام شده این یک قسمت را هم تمام کنند که قانون جامع باشد و معلمین هم باطل گری مشغول تربیت اطفال مملکت بشوند رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرض این بود که راپرت کمیسیون هدایه راجع به پیشنهاد دولت در خصوص قانون هیئت منصفه موقتی بمجلس تقدیم شده و طبع و توزیع هم شده بنده استدعا می کنم جزء دستور شود تا تکلیفش معلوم شود .

رئیس . در این خصوص مخالفی نیست ؟

فتح الدوله - بنده مخالفم

رئیس . آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده . با اینکه نظام نامه داخلی با آقایان وزراء بیش از یکماه حق نمی دهد که در جواب سؤالات معطل بکنند بنده بیش از ۳ ماه است که اطلاع داده ام که برای جواب در مجلس حاضر شوند و حاضر نمیشوند خواهش کردم آقایان را اطلاع بدهند حاضر شده جواب بنده را بدهند .

رئیس . آقای طباطبائی (اجازه)

آقای میرزا محمد صادق طباطبائی . بنده راجع بکمیسیون مبتکران میخواستم خاطر آقایان را متذکر کنم که فردا ممکن نمیشود که کمیسیون تشکیل شود چون سبب این که فردا جلسه نیست برای این است که در موقع جلسه کمیسیونهای دیگر نباید منعقد شود بنابراین گمان می کنم فردا جلسه کمیسیون مبتکران منعقد شود ولی سعی می کنیم که در این دو سه روزه منعقد شده راپرت خود را بدهد

رئیس . جلسه آتی به روز سه شنبه دو ساعت بغروب دستور اولاً قانون استخدام تانیا راپرت کمیسیون بودجه راجع به نفر صاحب منصبان ثالثاً راپرت کمیسیون شورای دولتی راجع به پیشنهاد آقای مساوات در موضوع کتترات راجعاً قانون هیئت منصفه .

(مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۱۶۲

صورت مجلس سه

شنبه ۲۲ عقرب ۱۳۰۱

مطابق ۲۴ شهر ربیع الاول

۱۳۴۱

(مجلس نیم ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم شنبه ۱۹

عقرب را آقای امیر ناصر

فرائت نمودند)

رئیس آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - در صورت مجلس

آقای صمصام السلطنه را جزو غائبین بی

اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان مریض

بوده اند می خواستم تذکر بدهم

رئیس - می بایستی اطلاع بدهند

بکمیسیون و مرخصی بگیرند . آقای محمد

ولیمیرزا

(اجازه)

محمد ولیمیرزا - بنده خواستم

استدعا کنم بعد از مذاکرات در قانون

استخدام مسئله لایحه دولت دایر بر

مساعدت باهالی ارومیه را جلو انداخته و

مطرح شود زیرا کمیسیون بودجه هم

مذاکره شد و گویا راپورتش هم حاضر

شده است

سهام السلطان - طبع و توزیع

نشده

رئیس نسبت بصورت مجلس ایرادی

که نیست

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب

شد راجع بارومیه و سایر نواحی آذربایجان

که پیشنهادی شده بود هنوز آن راپرت

طبع و توزیع نشده می ماند برای فردا

و پس فردا

آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب -

بنده می خواستم عرض کنم که دو سه

ماه است اعتبار نامه آقا شیخ عبدالکریم

در مجلس امروز و فردا می شود .

استدعا دارم زودتر تعیین تکلیف

او بشود که اگر تصویب می شود یا نمیشود

تکلیفش معین شود

حاج شیخ اسدالله چرا مخبر جواب

نمی دهد چه شده

رئیس آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم

از آقای امین التجار درخواست کنم تقدی

فرمایند

آخر سه روز است من و آقای حاج

میرزا مرتضی و آقای حاج میرزا عبدالوهاب

راجع بیک مسئله که هیچ اهمیت ندارد

سؤال می کنیم چرا آقای مخبر جواب

نمی دهند آیا اهالی بوشهر نمی گویند

که چرا وکیل ما تا کنون اختیارنامه اش

مانده یک وقت شاهزاده سلیمان میرزا راجع

بیک اعتبار نامه می گفتند که فرودمان ما احقاق حق می کنند که چرا اعتبار وکیلشان در مجلس نیامده بنده هم از اهالی دشتستان و سنگستان و بوشهر و نواحی فارس و مملکت ایران از آقای امین التجار که قبول مخبری این قضایا کرده اند تقاضا می کنم دستشان را بوسم التماس می کنم که تقدیر فرمایند و این اعتبارنامه را بیاورند یا جوابی بدهند که قانع کننده و مسکت باشد و بمخبر جواب ندادن ابطال یک صاحب حق نباید بشود لا اقل یک جوابی بدهند که بتوانیم ساکت شوم و ما دام که جواب مسکت ندهند بنده مسکه بموجب احتیاج حق مادام که بتوانم احقاق حق یک صاحب حق را بکنم تعقیب را خواهم کرد .

رئیس قانون استخدام از ماده ۱۹ مطرح است

ماده ۶۹

بمضمون ذیل قرائت شد

برای اینکه مستخدمین و منظرین خدمت فعلی بتوانند نسبت به حقوق تقاعد از مقررات این قانون استفاده کنند باید

کسورات مندرجه در فقرات ۳ و ۴ و ۵ ماده (۵۸) این قانون را تادیه نمایند و پرداخت کسورات راجعه بمقرری باغبانه آنها به نسبت ذیل خواهد بود

۱ - برای مستخدمینی که درجه اجرای این قانون کمتر از پنج سال است خدمت را دارند تا موقع تقاعد صدی و نیم

۲ - برای مستخدمینی که بیش از ۵ و کمتر از ۱۰ سال خدمت دارند تا موقع تقاعدش در صد

۳ برای مستخدمینی که بیش از ۱۰ و کمتر از ۲۰ سال خدمت دارند تا موقع تقاعد هفت درصد

۴ برای مستخدمینی که بیش از ۱۰ و کمتر از ۱۵ سال دارند تا موقع تقاعد و نیم درصد

۵ - برای مستخدمینی که بیش از بیست سال و کمتر از بیست و پنج سال خدمت دارد تا موقع تقاعد و نیم درصد

۶ برای مستخدمینی که بیش از ۲۰ سال خدمت دارند تا موقع تقاعد هشت درصد

رئیس آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب بنده خواستم از آقای امین التجار سؤال کنم که اساساً مستخدمینی که در دوره پیش از مشروطه و چه در زمان مشروطه خدمت کرده اند و در واقع خدمتگزار مملکت بوده اند منکر نیستیم که حقوق آنها داده شود ولی خواستم از آقای مخبر

کنم که آید اینها فرق گذارده اند و بین چنین کسی که در این مدت خدمتش دارای یک سرمایه و ثروت هست و می تواند از دارائی خودش امر ارحیات و معیشت نماید با دیگران فرقی هست یا بر سبیل مطلق است هر کس که ۲۵ سال خدمت کرده است باین اندازه حقوق دارد آیا نسبت باینها فرقی داده اند یا نه تمام را مساوی نوشته اند توضیح بدهند

مخبر - در حقوق تقاعد نظریه فقرو فغانیست اگر این نظریه بوماده که قبلاً گذشت می بایست آنجا هم این را بفرمائید فرقی بین کم ثروت و ثروتمند تر نیست و ما هم فرقی نگذاریم و اگر می گذاریم صحیح نبود لهذا در استخدام نقطه نظر فقط خدمت کردن و عمل کردن به ترتیبات اداری است و این فرض را هم نمی کنیم که مطابق این قانون یکی بادت خالی آمده بعد از چند سال حالا بادت بر میورد انشاء الله همه درست و درستکار خواهند بود اگر کسی قبول شخصی دارد دخلی با استخدام ندارد و اگر کسی از حقوق استخدام خودش پس انداز کرده مثلاً بترتیب خارج او وظیفه آن را ما هیچ عرض نکردیم کسانی که خدمت کرده اند حقوقی را که می گیرند هم از آنجا که فقیر یا غنی باشند از بابت استخدام است

رئیس - آقای سهام السلطان اجازه

سهام السلطان - موافقم
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی اجازه

حاج میرزا علی محمد - این ماده دارای فرائی است در فرقه اول نوشته شده مستخدمینی که کمتر از ۵ سال خدمت کرده اند و پنج و نیم از صد آن را باید بدهند بنده نمی دانم نسبت بقدرات جزء جزه های گرفته میشود یا کلی ولی نسبت بقسمت خودم در این ماده در قسمت اول عرض میکنم کمسیون رعایت تناسب را نکرده فرض بفرمائید مدت خدمت بکنفر مستخدم دوسال یا سه سال باشد در تمام خدمت خود هر ساله نیم در صد باید اضافه بدهد در صورتی که فرض کنید در درجه اول باشد و ۳۰ تومان حقوق داشته باشد تا آخر برسد در هر سال دو سه تومان تفاوت پیدا میکند و باین ملاحظه تفاوت کلی میان این مستخدم و مستخدمین جدید پیدا میشود و همچنین با سایر درجات بین آنهاست که قبلاً بوده اند مثلاً ۳ سال خدمت کرده اند یا آنهاست که ۲۵ سال داخل در خدمت بوده و در تمام مدت این ۲۵ سال باید یک مبلغی بصندوق داده باشند وقتی حساب میکنیم می بینیم خیلی تفاوت پیدا میکند و رعایت تناسب نشده است و در سایر قسمتها هم خیلی فرق و تفاوت پیدا میکند با اشخاصی که جدیداً

وارد می شوند و چون رعایت تناسب نشده این است که بنده عقیده دارم بعضی از این قسمتها را بکلی خارج کنند یعنی از ۵ ده سال تا ده سال را بکلی حذف کنند و از سال بیست و یک کسور را دریافت نمایند

مخبر - اگر نظر آقای بر این است که مثلاً یکی بدهد و خدمت شده و از اول استخدام صدینج را داده است یکی مثلاً سال است در موقع تصویب این قانون خدمت کرده از او هفتمین دلیل ندارد این شخص که ده سال حقوق را داده مساوی با آن کسی بود که جدیداً وارد شده برای چه این شخص مساوی آن کسی بود که ۵ سال حقوق داده و در این تبیض که اینجاشده است ما خیلی مذاکره کردیم و یک حد اعتدالی را اخذ کردیم و قلم بقیل حساب کردیم و از روی این ترتیب حدود وسط ملحوظ شده هر گاه از ۴ سال و ۵ سال بیلا یک نیم اضافه بدهم مثل آن کسی داده که از اول استخدام ده نیم داده است چون سالش کم میشود حقوقی که می دهد قدری زیاد تر می شود و هر سال یک نیم اضافه میشود و دیگر سال بسال نمی توان یک چیزی قرار داد مثلاً هر سال فلان قدر بدهد این معقول نیست لهذا پنج قسمت میکنیم و در هر سال یک درجه قرار میدهم پس ۵ سال به ۵ سال محسوب شده ممکن است یکی چهار ساله باشد و یکی ۳ سال ولی مایک حدود وسطی را اتخاذ کرده ایم و حساب نموده ایم و از روی آن حساب در آخر با هم مساوی میشوند و در وقت بردن حقوق تقاعد هم آن مقداری را که باید بدهند داده اند یعنی صدینج و نیم تا مدت ۵ سال و همین طور در مدت ده سال ۶ در صد داده اند و هکذا تا آخر در کسوری که داده اند با هم مساوی میشوند

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - سوالی دارم
رئیس - بفرمائید

فتح الدوله - خواستم از آقای مخبر سؤال کنم این کسورانی که نوشته شده از مقرری ماهیانه مستخدم دولت کسر میشود آیا مطابق ماده ۲۸ از منتظرین خدمت هم یک حقوقی کسر میشود یا نه با این مستخدمین کسر میشود که در کارند خواستم این سؤال را بکنم
مخبر - البته از حقوق منتظرین خدمت هم کسر میشود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - سوالی را که آقای فتح الدوله فرمودند جواب می خواهم عرض کنم البته از منتظرین خدمت مادام که حقوق انتظار خدمت میگیرند کسر خواهد شد اما در خصوص حسابی که آقای فرمائید همانطور که آقای مخبر فرمودند در کمسیون

استخدام بدقت هر چه تمامتر رسیدگی شد و در حدود در صورتی که قبول داشته باشند ممکن است یکی خدمت دوینچسالی یکی یکسال باشد ولی اگر حد وسط اشخاص را حساب بفرمائید تفاوت ندارد همان شخص ثابت که میفرمائید بنده بیکسوم عمده اش را برای ایشان حساب میکنم این شخص بدولت حقوقی را که باید بدهد مقروض است چون در این ۵ سال نداده از برای مواجب همین ثابت سال اول راسی تومان حساب کنید از قرار صد پنج می شود هیچده تومان و دو سال در ثباتی می ماند می شود ۳۶ تومان که بصندوق تقاعد مدیون می شود و در دو سال دوم که مطابق راسل حقوقش چهار تومان می شود در هر سالی باید بیست و چهار تومان بصندوق بدهد در دو سال چهل و هشت تومان مقروض است در یکسال اخیر ۴۵ تومان حقوق دارد بیست و هفت تومان بصندوق خواهد داد من حیث المجموع یک صد و یازده تومان باید بدهد ماه اول راهم این اشخاص حقوق ندارند سی تومان هم اول این می شود ۱۴۱ تومان باید بدهند در مدت ۳۵ سال بعد یکصد نیم اضافه می دهد در صد تومان پنجقران خواهد داد و در ماه شش تومان خواهد شد وقتی که شش بیست تومان را حساب کنیم صد و بیست تومان خواهد شد باز از یکصد و سی تومان کمتر است و حدود وسط را بطوری که در کمسیون بدقت حساب کردیم و حالا حساب کردیم تفاوت نمی کند و صندوق هم ضرورتی کند اگر در این موقع ده تومان کسری شود در هر سال دیگر ۱۵ تومان اضافه خواهد شد و بدقت رسیدگی شده اگر آقایان میل داشته باشند ممکن است در خارج بر رضتان برسانم که بدانند رعایت انصاف و عدالت هم شده است

(گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده ۶۹ آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۷۰ (بمضمون ذیل خوانده شد)

مواد این قانون شامل مستخدمین اداری هیئت های شوروی و ادارات اجتماعی مانند بلدی خواهد بود

مخبر - بنده این ماده را پس میگیرم از طرف کمسیون برای اصلاحاتی که نظریه مجلس در آن است

(ماده ۷۱ این طور قرائت شد)

اشخاصی که سابقاً مشاغل دولتی بدهد داشته و از تاریخ شروع اجرای این قانون خدمتی را متکفل هستند در صورتی منتظر خدمت محسوب می شوند که از تاریخ ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ باین طرف پنجسال متوالی یا هشت سال متتوابعاً و بموجب فرمان همایونی یا حکم وزارت خانه مصدر شغل رسمی

بوده باشند

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - مقصود بنده این است که آقای مخبر توضیحی در این ماده بدهند که چرا مدت خدمت را از تاریخ ۱۴ جمادی الاخری گرفته اند اگر فرض تاریخ اول مشروطیت باشد و اشخاصی که از این تاریخ ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ خدمت کرده اند اگر پنجسال متوالی خدمت کرده باشند جزء منتظرین خدمت اند نمی دانم مقصود از این شرایط چیست؟

رئیس - آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا - عرض می کنم بعد از این که این قانون بمجلس آمد تمام اشخاصی که یک دقیقه در ادارات دولتی بوده اند می خواهند خود را منتظر خدمت بدانند فرض بفرمائید یک کسی در اواخر زمان ناصرالدین شاه یا مظفرالدین شاه چند روزی در مالیه یادر وزارت داخله بوده یا حاکم یا نایب الحکومه یک نقطه بوده حالا اگر این شرط را بکنیم می آید و می گوید چون در فلان تاریخ نایب الحکومه فلان جا بوده ام اکنون تقاعد می شوم اگر سن او کفایت نمی کند می گوید جزو منتظرین خدمت هستم و این یک مجموعی می شود بصندوق تقاعد منتظرین خدمت که اگر این شرط نباشد از هفده بر نمی آید ادارات منظمه هم که شروع شده تقریباً تاریخش از اوائل مشروطیت است از این جهت است که ما تاریخ را از اول مشروطه شروع کرده ایم که ادارات بعالت انتظامی در آمده است و از آن موقع اشخاصی که داخل در خدمت شده اند حساب می کنیم و الا اگر کسی طفلس متولد شده و فرمان برای او گرفته اند حقوق تقاعد با داده نمی شود و با علاوه صندوق تقاعد از هفده بر نمی آید و حالا در وسط اشخاصی که از اول مشروطه تا بحال داخل خدمت هستند از برای اینها هم یکجندی لازم است و الا همه با هم زیاد می شود نه این که یک کسی یک ماه یک سال در ادارات دولتی از قبیل وزارت معارف یا مالیه یا داخله یا مأموریتی افتخاراً یا رسماً داشته خودش را مستخدم دولت بداند و حقوق انتظار خدمت و با تقاعد بخواهد باز هم نمی تواند دولت از هفده بر آید این است که در اینجا قید شده اشخاصی را می توان مستخدم حساب نمود که از اول مشروطه لا اقل پنجسال متوالی تا موقع اجرای این قانون خدمت کرده باشند اینها را می توان منتظر خدمت محسوب کرد که یا پنجسال متوالی مشغول باشند یا اینکه در ظرف مدت هیجده سال هشت سال متتوابعاً کار کرده باشند یعنی دوسال یک مأموریت داشته است یک سال بیکار بوده ملاحظه است سال خدمت متناوب کرده است مطابق اسناد

وقوتین می توان یک چنین شخصی را مستخدم دولت حساب نمود و برای او حقوق تقاعد یا حقوق انتظار خدمت قائل شد الا اگر غیر از این باشد آنوقت عده اشخاصی که چندی در یکی از ادارات بوده اند الی غیر اینها باید و صندوق تقاعد بهیچ وجه از عهده برنی آید (گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم بماده ۷۱ آقایی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
(ماده ۷۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

میزان حقوق تقاعدی نسبت به مستخدمینی که در حین اجرای این قانون با شرایط مقرر در ماده ۴۳ بعد تقاعد رسیده اند مساویست با یک صدویستم حدوداً مقرر در ۳ ساله اخیر خدمت در عده سنوات خدمت

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - موافقم
رئیس - آقای سهام السلطان چطور؟

سهام السلطان - بنده هم موافقم
رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)
اقبال السلطان - برای توضیح مطلب در این ماده بنده یک سؤالی دارم و آن این است حقوقی که برای وراثت مستخدمین بطور موقت شد یک حقوق بوجه مستخدمین دادند تا آخر سال این تیل می خواهم بدانم تکلیف آنها چه می شود بآن وراثت چیزی داده خواهد شد یا خیر؟

رئیس - آقای سلیمان میرزا سلیمان میرزا - عرض کنم ما این ماده را ۱۲۰ حساب کردیم برای این بود وقتی بدقت در کسب حساب شد تقریباً کسورانی که از اول خدمت یک مستخدم می دهد و حقوق تقاعدی که خود او یا وراثت اش بعنوان وظایف می گیرند تقریباً نصف را شخصاً پرداخته و نصف دیگر را دولت برای پاس خدمتگذاری و صداقت و درستی آن مستخدم از خود می دهد بنا بر این اشخاصی که در موقع اجرای این قانون تقاعد می شوند چون آن نصف را هم بدولت پرداخته اند این است که آن نصف را که دولت برای پاس خدمتگذاری می دهد آنرا کمسیون تصویب کرده که از راه عدل و انصاف باشد اما راجع بسؤالی که آقای اقبال السلطان فرمودند در اینکه این اشخاصی که فعلاً در بودجه ها حقوق تقاعد دارند آیا بجهت ترتیب حساب خواهد شد بهیچ ترتیبی زیرا برای آن اشخاصی که در بودجه ها حقوق تقاعد منظور شده است آنها یکدینار به صندوق دولت نداده اند و چیزی که نداده اند

با آنها هم چیزی نباید داده شود و نباید دائماً بدولت تحویل کرد همینقدر رعایت حال و سن و خدماتی را که در این مدت کرده اند و می نمایند بعنوان پاس خدمتشان نصف حقوق تقاعد را دولت بآنها می دهد و البته شخص خواه نصف این حقوق را مستحق و خواه مطابق آن ماده دیگر تمام حقوق تقاعد گرفت یعنی قابل این شد و حق حقوق تقاعد را بیدار کرد اگر فوت کرد ورثه او هم وظیفه خواهند داشت و کمسیون با نهایت دقت در این ماده رسیدگی کرده و از روی انصاف این حساب را کرده حالا منوط برای اکثریت مجلس است معاون وزارت عدلیه - چون در موقعی که این ماده مذاکره می شد نمایندگان دولت موافق نبودند یک پیشنهاد های مختلفی کردند ولی متأسفانه در کمسیون قبول نشد و نظر بهیچ اصلی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که چون آن اشخاص هیچ بدولت نداده اند امروز هم اگر چیزی بآنها از طرف دولت داده می شود از تقاعد نظر نققد است و در موقعی که در کمسیون این ماده با کثرت تصویب شد بنده بعضی هراض در کمسیون کردم که حالا مستخدمین آن هراض را اینجا تکرار بکنم اولاً عده این اشخاص خیلی قلیل است و از طرف دیگر تا بحال یک ترتیبی مقرر شده است و از طرف دیگر تا بحال یک ترتیبی مقرر شده است و از طرف دیگر تا بحال یک ترتیبی مقرر شده است

قبل که بدو ورود مستخدمین بخدمت دولتی بود آنها هم مطابق این ترتیب این کسورات خود را می پرداختند و امروز هم استفاده می کردند پس تصور می کنم همان پیشنهاد اولی دولت که عبارت بود از اینکه با این اشخاص هم همان معامله بشود و هر حقوقی که امروز تصویب شده است بآنها هم داده شود آنوقت با انصاف و عدالت نزدیک تر خواهد بود

مخبر - این مسائل که آقا می فرمایند در کمسیون مذاکره شده که تصویب آنها نیست برای اینکه کسور قرار نداده بودند و قانون حقوق تقاعد هم برای آنها نبوده کسورات را نپرداخته اند پس چرا حقوق می گیرند برای این که یکی پول داشته و یکی زور داشته و یکی روداشته با هم تقاعد یا شهریه پول گرفته حتی بعضی هستند که بیشتر از آن حقوقی که در موقع خدمت بآنها داده میشده است می گیرند و چون بعضی فقیرند یا بی چیزند و یا بواسطه نداشته اند بی کس بوده اند و یا رتی نداشته اند که تهدید کنند هیچ حقوق ندارند حالا اگر از بابت فقر است عنوان این قانون را از آنها بردارند و یک صورتی بگیرند و حقیقتاً هر شخصی که فقیر است بر حسب استحقاق بآنها حقوق داده شود آن دیگر راجع باین قانون نخواهد بود ولی اگر بخواهیم در قانون بنویسیم نباشد برای این که تبعیض میشود خصوصاً که می خواهیم قانون را عمومی قرار دهیم یعنی کسانی که هیچ برده اند ببرند و کسانی که زیاد برده اند مساوی باشند با آن هائی که هیچ نبرده اند حکم و اگر کم برده اند زیاد ببرند و علاوه بر این عقیده ام این بود که قید فقیر را هم بکنیم باین معنی کسانی که نان دارند و حاجت ندارند و متقاعد شده اند تا زمانی که نان دارند بآنها چیزی داده نشود اما اگر فقیر هستند و احتیاج دارند چون خدمت کرده و زحمت کشیده اند دولت در حق آنها مساعدت بکند علاوه کسانی که در درجات عالی تقاعد شده اند حقوق آنها کم نخواهد بود مثلاً اگر کسی سیصد تومان یادوست تومان حقوق داشته اگر حساب کنیم چیز کمی نخواهد بود و کافی است و اگر بخواهیم این قانون حقیقتاً قانون بشود باید از کسانی که زیاد برده اند کم بشود و بآنها هم که کم برده اند زیاد بدهند و زیاد بر این رانی توان قبول کرده به اگر اشخاصی هستند که مستمری دارند و بآن هاداده نمی شود آقایی پیشنهاد کنند که آن مستمری را بدهند یا مثلاً شهریه دارند و در میان شهریه بگیرها هستند داخل همان شهریه بگیرها باشند یا اگر دولت می بیند حاجت و احتیاج دارند و مرادات آن ها لازم است شخصاً رای بدهند و پیشنهاد

کنند که مجلس تصویب نماید که بآنها یک چیزی داده شود اما قانون را بنویسند بعد از حساب و تحقیقات تغییر داد (گفتند مذاکرات کافی است)

معاون وزارت عدلیه - آقای زنجانی چون اسامی اشخاصی که در وزارتخانه ها هستند و این قبیل حقوقات را می گیرند نمی دانند این است که می فرمایند این اشخاص بی پروائی یا بی قید بودن این حقوقات را گرفته اند و اگر بصورت بودجه های وزارتخانه ها مراجعه فرموده بودند می دیدند مثلاً در بودجه وزارت خارجه اشخاصی هستند هفتاد هشتاد سال عمر دارند و پنجاه سال یا ده سال یا هشت سال خدمت کرده اند و امروز این اشخاص یک حقوق جزئی می گیرند قانون بایستی از روی عدالت وضع شود و یکی از اصول عدالت این است که حقوق ثابت دارند حالا این حقوق چطور در حق آنها برقرار شده است کاری نداریم ولی همین نظر عرض می کنم که غالب این حقوق را مجلس اول تصویب کرده و امروز در بودجه وزارتخانه ها همان حقوق هارا بعنوان حقوق تقاعدی باین مستخدمین می دهند پس اگر ما بخواهیم حقوق ثابت آنها را نصف بکنیم تصور می کنم کار عادلانه نکرده باشیم باز عرض می کنم اگر پیشنهاد دولت قبول شود قانون معیشت این اشخاص را تأمین می کند و برای دیگران هم که حقوقی نداشته اند یک حقوقی برقرار نمیشود و بالاخره تصور می رود اگر این ماده اینطور بگذرد مبالغ زیاد بر بودجه دولت تحمیل خواهد شد زیرا مطابق این ماده هر کس که در خدمت دولت بوده و بتقاعد رسیده حق خواهد داشت باستانند این ماده مطالبه حقوق تقاعدی بکنند و سابقاً هم نداشته است ولی عده این اشخاص خیلی قلیل اند و ما نباید فقط تهران را در نظر داشته باشیم بلکه این قانون را باید در تمام مملکت اجری کنیم آنوقت ملاحظه خواهید فرمود در نقاط ایران چه اشخاصی پیدا میشوند که با داشتن تمکن با اینکه سال های دراز است باند داشتن حقوق تقاعد برای خودشان بهر ترتیبی هست یک وضعیت زندگی درست کرده و آن وضعیت آنها را اقطاع کرده و راحت هستند ولی البته هیچ کس از داشتن یک عایدی جدیدی و زیاد بر این رانی توان قبول کرده به اگر اشخاصی هستند که مستمری دارند و بآن شرط تقاعد در آن هاجم است این ماده حقوق تقاعد را در باره آن هار برقرار می کند و این خودش یک تحمیل حقوق السعاده است پس بودجه دولت (جمعاً گفتند مذاکرات کافی است)

است ۰) رئیس ۰ رای می گیریم بماده ۷۲ آقایی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام فرمودند)
رئیس ۰ تصویب شد ۰ ماده ۲۷ (بمضمون ذیل قرائت شد)
مادام که عده منتظرین ادارات دولتی بیش از صدی ۰ مقرر در ماده ۲۸ میباشد هیچیک از وزارتخانه ها ادارات حق استخدام عضو جدید ندارند و باید عضو لازم را با رعایت خدمت و دارا بودن شرایط و معلومات لازمه از میان منتظرین خدمت وزارت خانه ها انتخاب نمایند

رئیس مخالفی ندارد :
آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان ۰ اینطور منتظرین خدمت که در ایران هست و می توانند کار کنند و بی یک نظریاتی از کار باز داشته اند و آن هارا منتظر خدمت قرار داده اند در هیچ جا موسوم نیست و فقط منحصر بایران است در صورتی که می تواند کار بکنند علت ندارد جماعتی را منتظر خدمت قرار دهند که برای دیگران کار پیدا کنند این منتظرین خدمت چند نوعند یکی از منتظرین خدمت اشخاصی هستند که وزارت خانه ها از عملیات آنها ناراضی هستند و بطور نزاکت آنها را منتظر خدمت محسوب کرده اند این ماده جلو گیری نمی کند که آنها را سر خدمت نیاورند و تمام اشخاصی که منتظر خدمت هستند داخل می توانند بشوند و این ماده هم به آن ها حق می دهد که بیایند و بگویند تا ما هستیم نباید دیگری را داخل در کار کنید و عقیده ام این است که در مخابرات با رعایت خدمت و داشتن معلومات لازمه و صحت عمل ضمیمه شود که این اشکال که بنده تصور می کنم مرتفع شود

مخبر - بنده درست مقصود آقارا ندانستم می خواهند عده منتظرین خدمت کم باشند یا اینکه بعضی از منتظرین خدمت خارج شوند ؟ ما بآن جدیدی که کردیم باز یک عده شان خارج نشوند اولاً فرمان کسانی که محتاج بفرمایند تا بیا کسانی که محتاج بحکم و زبانی هستند ثالثاً کسانی که پنج سال متوالی بخدمت سال متتابع خدمت کرده باشند حالا اگر این شرایط را دارند و با دارا بودن این شرایط در وزارتخانه زیاد هستند مثلاً این اداره دو تا منتظر خدمت لازم دارد چهارتا هست می فرمایند چه بکنیم یک خطی شده و وزارتخانه ها خط کرده اند که یکی بوده آنها پنج سال خدمت کرده دیگری را آورده اند حالا چه باید کرد

بعضی از آنها را ترجیح بدهیم و بگوئیم یکی منتظر خدمت است و یکی منتظر خدمت نیست چه دلیلی دارد که اینطور باشد اگر در روز ارتقاءها اعضائی که دارای شرایط اند زیاد ترند ناچار آن زیادی منتظر خدمت خواهد بود این است که چاره چونی کرده ایم مادام که منتظرین خدمت بآن حدی که صد پنج است برسد نباید تا آنوقت حضور میدی قبول کنند و غیر از این چاره نجستیم حالا اگر آقاییان راه دیگری می دانند بفرمایند

رئیس - رای می گیریم سلیمان میرزا - اجازه می فرماید یک اصلاح دارم و آن این است نوشته شود (مادام که عده منتظرین خدمت ادارات زیاد نشود) مقصود این است لفظ خدمت اضافه شود

رئیس - رای می گیریم بماده ۷۴ با این اصلاحی که فرمودید آقاییان که تصویب می فرمایند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۳۷ حاضر بستم ؟ آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اگر اجازه بفرمائید عرض کنم امروز کمسیون استعفاء متعقد شد و در ماه ۲۷ مذاکراتی کردند و پیشنهادی از طرف آقای نصرت الدوله شد و طبع گردید و در دست همه آقاییان هم هست و کمسیون هم تصدیق کرده اند ممکن است آنرا مطرح نمایند و یکی هم ماده ۲۳ است که آنها هم تصویب شده به دربارت آنها عرض می کنم

رئیس - ماده ۳۷ مطرح شود یا ماده ۲۳ ؟
سلیمان میرزا ماده ۳۷ ماده ۳۷ بمضمون ذیل قرائت شد
۳۷ - هر گاه در حین رسیدگی به تصدیقات اداری مستخدمین معزز شد که خسارات مالی بدولت یا با افراد مردم متوجه گردیده است محکم باید ترتیب رفع خسارت را مقرر دارد ولی در صورتی که مستخدم طرف دعوی خسارت واقع شود رسیدگی باین قبیل دعوی از صلاحیت مجلس تحقیق و معاکه اداری خارج و مادام که محاکم اختصاصی برای رسیدگی باین دعوی تأسیس نشده است راجع بمعاکم خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای مخبر و از حضرت والا که این را پیشنهاد کرده اند سؤال کنم که این ابداء رفع شهادت را نکرده است چرا برای اینکه برسبیل کنی نوشته است که هر گاه در حین رسیدگی بتصدیقات اداری مستخدمین معزز

شد که سارات مالی بدولت یا با افراد مردم متوجه گردیده محکم باید رفع خسارات را مقرر دارد و چه کند شما که می گوئید رجوع ببدلیه کنید در اینجا هم بیان نمی کند که مجلس تحقیق و معاکه اداری باید خسارت را از خسارات وارد آورنده بگیرد خسارتی که وارد می شود بر دو قسم است یا اقلاً بالذات ناشی از خلاف و ترتیب اداری است و مستند بقول خود مستخدم است و خودش ضروراً وارد آورده است که باید شخصاً جبران کند یا اینکه در حین مأموریت اداری ضروراً وارد آورده است ولی بواسطه در صورتی که اینجا برسبیل مطلق می گوید که محکم ترتیب این خسارت را مقرر می دارد و این عبارت یعنی چه ؟

آیا آن محکم بکار کتان خود و بقوه اجرائیه اش حکم می دهد خسارت را بگردد ؟ بعد در شرحش می گوید مادام که این مستخدم طرف دعوی واقع شده باشد اگر در آن وزارتخانه محکم خصوصی برای این قبیل دعوا تشکیل شده باشد رجوع ببدلیه من شود و ابداء این ماده شبهه را رفع نمی کند زیرا چنانچه عرض کردم فرض بفرمائید امنای وزارتخانه ها وزارت عدلیه داخله مایه (که بیشتر نظریات متوجه آنها است) خساراتی در ولایات به مردم وارد می آورند شخص متشکی بدولت شکایت می کند و بعد از مدت ها که محکم اداری تشکیل می شود نسبت به عرض متظلم بدیخت ابداء اثری ندارد و بعد از اینکه دوسیه ترتیب دادند و شخص متظلم را معطل کردند باومی گویند برو عدلیه تمام صحبت ما در این بود که وقتی این شخص در محکم اداری محکوم شد باید ضرر بیکه بآن شخص وارد آورده جبران نموده و علاوه مجازات اداری هم بشود گرچه آقای مخبر محترم فرمودند محکم برای حفظ دیسپلین اداری است دیسپلین اداری ربطی باین خسارتی که وارد آورده ندارد زیرا با این ترتیب آن ظلم بحال خود باقی خواهد ماند همه فرض و مقصود ما این است که رفع آن ظلم از آن مظلوم بشود در صورتیکه با این ترتیب رفع ظلم نخواهد شد

مخبر - برای این که مطلب کامل حل شده و رفع شبهه بشود عرض می کنم کسیکه از یک مستخدمی شاکی است یکدفعه این است که مستخدم طرف شکایتی واقع می شود که ابداء مربوط بامر اداری نیست لیکن چون مستخدم دولت است و تعدی کرده است بدولت مراجعه و از تعدی آن مأمور و شکایت می کنند مثلاً مأمور مالیه یا حاکم یکی را گرفته کتک زده و پول از او گرفته و یا ترتیب دیگری کلاهش را برداشته است برای رسیدگی باین مسئله محتاج به تشکیل محکم اداری نیست زیرا مثل

سایر افراد مردم باید ببدلیه برود یا پولی بمستخدمی قرض داده و حالا مطالبه میکنند برای این قبیل مسائل محکم اداری تشکیل نمی شود و امور باید ببدلیه مراجعه شود یا محکم دیگری احاله گردد پس تشکیل محکم اداری وقتی می شود که مسئله مربوط بعملیات اداری باشد یا در حین انجام وظایف اداری خلاف قانون و تعدی کرده باشد مثلاً شخصی شکایت می کند که فلان مأمور در موقع گرفتن مالیات وارد خانه شده و فلان چیز را از من برده یا فلان کاسه را شکسته است این چون خلاف وظیفه اداری است محکم اداری تشکیل شده و باین امر رسیدگی می کند که آیا واقعا این خلاف او صادر شده است یا نه ؟ اگر محقق شد که قضیه صحت دارد و واقعا کاسه او را شکسته یا پولی از او برده است محکم قرار رفع این خسارت را میدهد یعنی حکم می کند که خسارت وارده بآن شخص را جبران نماید و اینکه نوشته شده قرار رفع خسارت وارده را می دهد برای این است که گاهی خسارت طوری است که آن مأمور یا مستخدم نمی تواند از عهده جبران برآید و خساراتی است که دولت باید جبران کند مثلاً خسارات مهمی واقع شده برای رفع این خسارت و جبران آنچه را که در محکم مدلل شده در محکم قرار دفع آن خسارت را میدهد یعنی یا از خود آن مأمور میگیرند و یا خود دولت خسارت وارده بآن شخص را جبران میکنند اما هر گاه در میان دعوا این شخص ادعا کرد مأمور بخانه من وارد شده و ۱۰۰ تومان برده است و در موقع معاکه وارد شدن بخانه معین شد ولی بردن ده تومان مدلل نشد آیا باز اداره باید رسیدگی کند؟ نه اداره دیگر حق رسیدگی ندارد و باید یا بمعاکم خصوصی که برای اینکار ها است برود یا ببدلیه ارجاع شود و از این دوشق هم خارج نیست یا در ضمن رسیدگی بتصدیقات اداری مدلل شد آن وقت یا باید دولت بدهد یا خود آن شخص و اگر ابتدا دعوا دعوی اداری نباشد محکم تشکیل نمی شود و رسیدگی نمی کند ولی اگر در ضمن رسیدگی بامر اداری مسئله شکایت حقوقی هم پیدا شد ناچار محکم تصدیق و معاکه را راجع بداره است رسیدگی می کند و آنچه که یکدفعه بامر حقوقی است ببدلیه ارجاع می کند محکم مخصوصی که راجع باین قبیل دعوی است رسیدگی خواهد کرد مقصود از این ماده این است که عرض شد زیاد و بر این هم نمیتوان حکم کرد
رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
آقا سید فاضل - حالا که پیشنهاد بنده بدیختانه مورد توجه کمسیون شده

مقدمه این است که خود ماده بهتر از این پیشهاد شاهزاده نصرتالدوله باشد. بجهت اینکه مقصود ما این بود که اگر در خلال معاکه اداری معلوم شد که اشخاص مظنون واقع شده اند مردم بهشتان برسند ولی بنده حقیقه این اصطلاح (مقرر میدارد) شاهزاده را نفهمیدیم چیست. در زمان قدیم سلاطین در فرامین می نوشتند مقرر می دارد خود ماده می نویسند از همده خسارت بر آید بنده قائل هستم که این معسکه برای رسیدگی بدعاوی حقوق صلاحیت ندارد. و اگر کسی از مستخدمی نظمی دارد باید بمعاکم ساله مراجعه کند. ولی علی الوصف مرض می کنم که باین معسکه باید صلاحیت این را داد که اگر در ضمن رسیدگی به دوسیه فلان مستخدم معلوم شد که فلان وجه راجع بفلان شخص بوده دوسیه هم حاکم قضیه است یا خود مستخدم اقرار کرد یا بالاخره شخص متظلم اظهار کرد که من به حکمت اداری راضی هستم از این سه شکل که یا دوسیه حاکمی باشد یا با خود مستخدم اقرار کرده باشد یا متشکی به حکمت اداری راضی باشد. باید برای این معسکه صلاحیت رسیدگی را قائل شد و نباید گفت مقرر می دارد. چنانچه بنده هم پیشهادی کرده ام و الان میخوانم . . .

هر گاه در ضمن معاکه اداری کشف شد که خساراتی بشخص متظلم وارد شده در صورتی که دوسیه حاکمی باشد باین که مستخدم اقرار کرده باشد و یا خودش متظلم به رضایت دهد در اینصورت معسکه اداری حکم جبران خسارت را صادر خواهد نمود .

خسارت و زیانی وارد آورده است باید رفع خسارت او را نمود. باین ترتیب که یا باید از حقوق آن مأمور کسر شود و بمتشکی داده شود یا اگر دارد از دارائی او جبران شود اینها همان اقسامی بود که خود آقا هم در پیشهاد خودشان تذکر شده بودند و این عبارت هم همان مقصود آقا است منتها با اختلاف عبارت و با نظر داشتن اوضاع مختلفه برای رفع خسارت این لفت جامع نوشته شده است .

حالا ملاحظه فرمائید پیشهاد شما و پیشهاد حضرت والا شاهزاده نصرتالدوله هر دو در اینجهت جناب عالی در پیشهاد خودتان نوشته بودید در صورتیکه طرف تقاضا نماید. و ایشان نوشته بودند محتاج بتقاضا نیست . و حقاً پیشهاد ایشان جامعتر است .

زیرا اگر در اثر تحقیقات اداری معلوم شود که مأمور دولت از کسی چیزی زیادی گرفته یا تعدی نموده خواه طرف تقاضا بکند خواه نکنند بردوت فرض است که آن پول را از مأمور گرفته و بساحبش مسترد نماید و علت اینکه این قسمت از پیشهاد جناب عالی در کمیسیون طرف توجه نشد این بود که مرقوم فرموده بودند در صورتی که طرف تقاضا کند و در واقع مسئله را بتقاضای طرف انحصار داده بودید در صورتی که مسئله محتاج بتقاضا نیست . یکی دیگر اینکه مرقوم فرموده بودید اداره ملزم است . اداره کجا است معسکه اداره اجراء ندارد . معسکه تحقیقی در بین نیست .

فیر از این راه چاره دیگری نیافت یعنی اگر کسی فقط بصرف ادعا حرفی زدودر اثر تحقیقات و معاکه همانطور که آقای مخیر توضیح دادند و نتوانست ادعای خود را ثابت و مدلل کند چون بموجب قانون اساسی مرجع تظلمات عمومی عدلیه است باید این تظلم و شکایت هم به آنجا ارجاع شود .

حالا در عدلیه هم ترتیبات و جریاناتی دارد و اگر در معاکم ثابت کرد هیچ والاکار بقسم و محضر شرع یا به حکمت میرسد غرض این است مثل سایر دعاوی حقوقی باید در عدلیه مطرح شود و فیر از این هم راه دیگری ندارد .

زیرا روسای ادارات که معسکه اداری تشکیل می دهند نه وظیفه محضر شرع را دارند نمی توانند کار معاکم بدایت و استیناف و تمیز را انجام دهند. مقصود این است در صورتیکه معلوم شد مستخدمی خسارتی وارد آورد ما باید دولت رفع آن خسارت را مقرر دارد یعنی بدهد و تمام پیشهادها هم همین مقصود را می رساند منتهی عبارت کمیسیون جامع تر بود

دوم نوشته شده در صورتی که مستخدم طرف دعوای خسارت واقع شود باید بدلیه برود

اگر مقصود این است که من ترجمه کردم که حقیقتاً يك ظلم فاحشی است و چرا باید کسی که شکایتی از مأمور دولت می دهد کار او رجوع بدلیه شود

زیرا در هر دو قسم و در هر صورت خسارت را وارد آورده است و چه فرق دارد که در يك صورت باید بدلیه برود در صورت دیگر معسکه اداری رسیدگی کند و اگر مسئله طوری نیست که بنده فهمیده ام و عرض کردم عبارت ناقص است و انشاء ندارد .

زیرا اول میگوید : اگر معرز شد خسارت وارد آورده است بعد میگوید : در صورتی که بعد دعوای خسارت کند .

آقا بموجب فرمایش آقای مخبر که خودشان دلیل آوردند اصل این ماده ظلم است بواسطه این که فرمودند تصصیرات اداری بر دو قسم است یعنی مستخدمی که برای معاکه در معسکه اداری حاضری شود دو صورت دارد .

یکی تصصیرات فیر اداری است که باید بدلیه برود مثل این که کسی از مستخدمی شکایت می کند که ده تومان طلب دارم ولی یکی دیگر تصصیرات اداری است که ضرر من غیر مستقیم متوجه اداره دولت است .

مثل این که فرض فرمائید بنده آسیائی دارم مأمور دولت می آید از من مالیات بگیرد .

بنده فرضاً قدری مسامحه و تملل در تادیه آن می نمایم یا متعذر می شوم . آن وقت مأمور میرود و جلو آب مرا میگیرد و وقتی که جلو آب را می گیرد خسارت و زیان فوق العاده بمن وارد می آید و منی که من بدولت شکایت می کنم می گویند برو بدلیه !!

این خسارت من غیر مستقیم متوجه اداره است یعنی ضرری است که در موقع اجرای مأموریت آن مستخدم دولت بمن وارد آورده است و این قبیل دعوای را نمی توان بدلیه ارجاع کرد و باید معسکه اداری تشکیل و رسیدگی کند و اگر بنا باشد این نوع تظلمات بدلیه ارجاع شود آن وقت مأمورین و مستخدمین دولت لایق قطع بر دم اذیت می کنند و هر وقت هم که شکایت بکنند دولت می گوید برود به عدلیه .

و این سبب خواهد شد که مستخدمین معرز شد خسارت مالی بدولت یا با افراد مردم متوجه گردیده معسکه باید ترتیب رفع خسارت را مقرر دارد ولی در جمله

مثلا دردهات و قصبات و در ایالات و ولایات که ترتیب صحیحی ندارد مأمورین رعایا و مردم بدبخت را متصل اذیت می کنند و جلو آب آنها را سد می کنند و ضرر با آنها وارد می آورند باطمینان این معسکه شکایت بدلیه میرود و حال آنکه این ضرر من غیر مستقیم بواسطه دولت بآن بدبخت ها وارد شده است و اگر مسئله این طور است این ماده را بنده يك ظلم فاحشی می دانم زیرا راه فراری برای مأمورین دولت باز می کند که هر چه ایشان بخواهد بکنند باطمینان این که شکایت به عدلیه ارجاع شده و با ابتدائی میرود بعد از آن باستیناف میرود بعد از آن به تمیز ارجاع می شود و تا معاکه دوره قانونی خود را طی کند سالها طول خواهد کشید و رفع ظلم از آن بیچاره بهیچوجه نخواهد شد باین جهت بنده عقیده دارم این لغو شود

اشخاصی که باین اصول آشنا نباشند این اشکال پیدا می شود این مسئله يك مطلب معرز و مسلمی است هر وقت بیک رئیس اداره یا مافوق رئیس اداره يك فردی اظهار کنند و جلو آب آنها را سد می کند و ضرر با آنها وارد می آورند باطمینان این معسکه شکایت بدلیه میرود و حال آنکه این ضرر من غیر مستقیم بواسطه دولت بآن بدبخت ها وارد شده است و اگر مسئله این طور است این ماده را بنده يك ظلم فاحشی می دانم زیرا راه فراری برای مأمورین دولت باز می کند که هر چه ایشان بخواهد بکنند باطمینان این که شکایت به عدلیه ارجاع شده و با ابتدائی میرود بعد از آن به تمیز ارجاع می شود و تا معاکه دوره قانونی خود را طی کند سالها طول خواهد کشید و رفع ظلم از آن بیچاره بهیچوجه نخواهد شد باین جهت بنده عقیده دارم این لغو شود

رئیس - آقای سهام السلطان (بیرون رفته بودند)
رئیس - آقای نصرتالدوله (اجازه)
نصرتالدوله - در جلسه گذشته و این جلسه نسبت باین ماده يك مذاکرات طولانی اظهار میشود که بعقیده بنده مبنای این مذاکرات بواسطه يك سوء تفاهم اساسی است و اگر این سوء تفاهم را بتوانیم رفع کنیم دیگر اختلافی بین دو نظریه باقی نخواهد ماند

اولا خیلی خوشوقتیم که در يك قسمت خود آقای آقا سید قاضل هم اقرار و اعتراف کردند که برای معسکه اداری هیچ نوع صلاحیت رسیدگی به قضایا و دعاوی حقوقی نیست و رسیدگی بهر نوع از دعاوی حقوقی یا خسارت و غیره خارج از وظیفه این معسکه است و باین که معسکه اداری را صالح برای رسیدگی بدعاوی حقوقی نمی دانند معسکه اداری را صلاحیت رسیدگی در بعضی مواد این صلاحیت را باو بدهند ولی بعضی از آقایان اشتباهی کرده اند چنانچه آقای دست قیاب هم معصوماً نکته استدلالشان بیشتر بر روی این مطلب بود و این طور تصور کردند هر مستخدمی که تعدی کرد و خسارتی وارد آورد رفع این خسارت فقط بعهده معسکه خواهد بود و او باید رسیدگی کند

مقصود این است این رسیدگی که در معسکه اداری از نقطه نظر نظامات شروع می شود خواه بواسطه رایرت و اطلاع مفتش خواه بواسطه اطلاع خصوصی وزیر یا رئیس اداره باشد خواه بواسطه تظلم يك نفر شاکمی باشد در هر حال هر چه که راجع بسائن حقوقی است این معسکه صلاحیت رسیدگی ندارد ولی در همانحال قائل شدیم که اگر بموجب شکایت شاکمی در مرحله اول معرز شد خسارتی وارد شده معسکه قرار رفع خسارت را بدهد .

چنانچه ملاحظه فرمائید در پیشهاد هم که کلمه معرز نوشته شده برای این بوده است که نمی خواستیم در آن معسکه طرح دعوایی شده باشد ولی این امر از آن کجا می شود از این راه می شود که مثلا فرض فرمائید مأمور ما به درس خدمت خود برخلاف خود برخلاف نظامات اداری رفتار کرده است و معلوم شد که در سالسکه که مأمور در آن نقشه بوده است ده عدد کیسه صد تومانی و یا يك سئند بوده و اول پیدا کرده است و آن کیسه ها ما دیگری

بوده یا برای مالیات یا بعنوان دیگری گرفته اینجا اگر برای معسکه این اندازه مشخص شد که بولی در کار بوده و مال این شخص هم نیست و باید بصندوق دولت برود دیگر لازم نیست از طرف مالیه طرح دعوایی بر علیه این مأمور بشود و در این صورت که خود مأمور اقرار کرده و انکار ننموده است می نویسد معسکه رفع خسارت را مقرر می دارد .

حالا اگر آقای سید فاضل میل ندارد لفظ مقرر می دارد نوشته شود همانطور که گفتند نوشته میشود معسکه قرار رفع خسارت را می دهد ولی حالا اگر دعوایی بر علیه مستخدمی اقامه شد که باین اندازه از وضوح نبوده و در مرحله اول محتاج به تحقیق و معاکه و اثبات است ما گفتیم این معسکه صالح برای رسیدگی نیست و باید امر بیک معسکه صالحی ارجاع شود حالا معسکه صالح برای رسیدگی به تصصیرات اداری کی است البته محاکم اختصاصی است .

ماوه می گوید با موجود نبودن معاکم اختصاصی باید بدلیه ارجاع شود اینجا لازم است برای آقای دست قیاب توضیح بدهم که تصصیر اداری مستخدم مربوط بخدمتی است که باو رجوع می شود اینها هم تصصیر اداری معسوب می شود این فرض که شما می فرمائید فرض هادی است و ما را مشغول نداشته است و يك مستخدم اگر بشخص ضرر و خسارت رسانیده باشد البته باید بدلیه برود ما مشغول این بودیم که مستخدم در حین اشتغال بخدمت و انجام امور اداری خسارت برساند مثل همان مثلی که فرمودید که آب را از آسیا بر گرداند مطابق ترتیبات اداری این قبیل خسارات را از صلاحیت معاکم عدلیه که مرجع تظلمات عمومی است مخصوصاً خارج کرده اند و قائل بیک معاکم اختصاصی شده اند زیر در حین انجام وظایف اداری و برای اجرای ادارات و برای دواژ دولتی يك وسایلی برای تحقیق و کشف مطلب هست که خیلی بموقع تر و سهل تر و آسانتر از آن ترتیبات و قواعدی است که برای معاکمات عمومی يك اصول معاکمات حقوقی در هر کجا تشکیل می دهند و رسیدگی باین قضایا می کنند و اگر فرض فرمائید مثلاً کلائی که امروزه در عدلیه ما هست معاکم اختصاصی در پیش می آید اینطور نیست زیرا قواعد معاکماتی آنجا خیلی ساده است و پس از تحصیل يك راپرتها تحقیقاتی آنها می توانند از معاکمات خود اداره زودتر باین مطلب پی ببرند و فصل این خصوصیت را بکنند پس خوب است درست توضیح داده شود ما که معسکه اداری را صالح برای رسیدگی بدعاوی نمی دانیم ولی در

همان حین بادهتن این عقیده تقدیم که اگر برای معسکه اداری یا بالاتر از آن برای بکنند رئیس اداره یا وزیر مکشوف شد همان طور که یکی از رفقا مثل میزد مستخدم بکسی که جنس آورده و بانبار تحویل داده ۵۰ خروار آورده و ۲۰ خروار کمتر قبض گرفته است و ۱۵ خروار کمتر نوشته این رئیس اداره نمی تواند باو بگوید برو و بدلیه (از طرف نمایندگان - چرامسی تواند) . . .

و حتی نمی تواند بگوید برو معسکه اختصاصی اداری - وظیفه اش این است که اول بیاید و تحقیق کند اگر وید کلاما مطلب واضح است و محتاج بشیوت نبود از افراد شتر دار و تحقیق از مأمور یا فرض کنند ابزار دار خودش گفت من اشتهاء کرده بودم یا تعدی کرده بودم فوراً می گوید قبض راعوض کن و آن مأمور را هم تنبیه اداری می کنند که بعد از این مقدمات و خطاهای ممکن اگر از آنجا گذشت و يك معسکه اداری تشکیل شد از برای رسیدگی بخلاف نظام اداری و در آن حین معلوم شد ظمی بفردی شده آنهم اگر قابل انکار نبود رفع می کند ولی بکوتق از طرف مأمور دولت یا از طرف افراد يك قضایای طرح میشود که حقیقتاً محاکم میخواهد فقط تصور می فرمائید که این معسکه اداری شبیه بدلیه خواهد بود و طول میکشد و آقایان همه می فرمایند همین معسکه همین کار را بکنند خیر آقایان این ترتیب از دست میدهد دعوا باید بیک معسکه صالحه مراجعه شود مثلا در قانون شورای دولتی گفته قریب مطرح خواهد شد ملا ظه می فرمائید که شبه تظلمات شورای دولتی که عالی ترین معسکه اداری است در ضمن وظایفی که برای او نوشته شده اگر کسی تظلم کرد بوزیر یا با داره یا بمعاکم اداری رسیدگی نکردند مستقیماً حق دارد تظلمش را بشورای دولتی ببرد در اینطور شورای دولتی بدانه شروع برسدگی می کند و داخل در ماهیت دعوا میشود یا اگر وزیر واداشته بود او را چهار ماه سر گردان کنند و جواب رد یا قبول - نفی یا اثبات باو ندادند اینجا باز حق دارد مستقیماً بشورای دولتی مراجعه کند و شورای دولتی هم می تواند وارد دعوا شود یا اینکه پس از اگر قانع نشد بازم رعایت حال او را کرده ایم و در قانون باو حق داده شده از شورای دولتی استیناف بخواهد و در همان قانون شورای دولتی ملاحظه خواهد فرمود که اصول معاکمات و قواعد تصصیری سهل

پانزده هزار و هشتصد تومان تهیه شده که از طرف دولت به مجلس هم تقدیم شده است و البته بمحض این که از طرف مجلس تصویب شود اقدام خواهد شد این است که بنده هم مخصوصاً تقاضای منی نمایم این مسئله را زودتر جزو دستور قرار دهند که از مجلس بگذرد و تعمیرات مزبور شروع شود

(مجلس سه ساعت و نیم)

از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه

بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۴۰ مطابق ۲۳

هزرب ۱۳۰۱

مجلس يك ساعت قبل از غروب ریاست

آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت جلسه یوم قبل را آقای

امیرناصرقرائت نمودند)

رئیس - در صورت جلسه ایرادی نیست؟

آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - اعتراض بنده راجع

باملاك طومانیا است که در صورت جلسه

مجموع نوشته شده است و باید توضیح داده

شود . چون وثوق الدوله يك پولی گرفته

بعد تلگراف کرده است که املاك طومانیا است

در مقابل دو بیست هزار تومان از آن پول است

بنده عرض کردم دولت مکلف است تکلیف

این کار را معین کند و لو این که طرف هر

دولتی هم باشد باید تکلیف املاك را معین

کنند و اگر پولی از کسی گرفته شده

بگیرند بصاحبش رد کنند ، نه این که يك

پولی یا يك ملكی را متعلق بدولت می دانستم

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده در دستور عرض

داختم .

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده هم راجع

بدستور عرض داشتم

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام - بنده يك اشاره

راجع بمسافرت مولیتور کردم و عرض کردم

بریروز که این مسئله در روزنامه های معلی

منتشر شد بنده بتوسط مقام محترم ریاست

سؤالی از وزیر است و تلگراف کردم که

ایشان احضار شده و جواب سؤال بنده را

بدهند و در صورت جلسه اشاره باین مسئله

نشده است

رئیس - آقای دستغیب

(اجازه)

دستغیب - بنده هم در دستور

عرض داشتم .

رئیس - صورت جلسه دیگر ایرادی

ندارد ؟ آقای فتح الدوله